

غلبه بر اختلال بیش فعالی با نیروی ماورایی شمشیربازی

ترجمه: عباسعلی فاریابی

۱۴۰۴/۲/۵

مایلز چاملی واتسون که یک شمشیرباز با سبکی خاص، نبوغ ورزشی و تسلط خالص، طوری بر مشکلات جوانی پرتلاطم خود غلبه کرده که به یک ستاره بلامنازع در ورزش ناب و باستانی شمشیربازی تبدیل شده است.



او پس از هر مسابقه مراقب زندگی خود می باشد، اما در درجه اول: مراقب تداوم ظهور خود در میادین بین المللی است.

برای افراد ناآشنا، دنبال کردن ورزش شمشیربازی سخت است. تیغه به طرز غیرقابل تصویری سریع حرکت می کند، پوینت شمشیر در مقابل لباس های سفید کاملاً ناپدید می شود و امتیاز کسب شده همه را کاملاً مبهم می کند.

این شیوه بازی **مایلز چاملی واتسون** است، دقیقاً همان گونه که در بسیاری از ویدیوهای مسابقات او (از جمله یکی از آنها که بیش از یک میلیون بازدید داشته است) دیده می شود. حرکات برازنده و روان او آنچنان منحصر به فرد است که در تاریخ این رشته ثبت شده است - از زدن یک ضربه از بین پاهایش گرفته تا ضربه های شلاقی غیرقابل دفاع از پشت و از طرف مخالف به حریف - حرکاتی بسیار زیبا که به نام "چاملی واتسون" ثبت شده است. اگر شمشیربازی معمولاً شبیه نوعی رقص به نظر می رسد، اما او با حرکات آزاد، غیرقابل پیش بینی، پر از سکانس های کاملاً غیرقابل تصور در این کار ساختارشکنی کرده است.

او در خارج از پیست (زمین بازی بلند و باریک شمشیربازی) به همان اندازه غیر متعارف است. او یک مرد آفریقایی آمریکایی ۱۹۵ سانتی متری با موهای بلوند رنگ شده است. او پا را فراتر از ورزش خود گذاشته و به اولین شمشیربازی تبدیل شده است که مدت ها در جریان اصلی زندگی خود مورد توجه عموم قرار دارد. او توانسته است شمشیربازی را با برهم زدن بسیاری از فرضیات سنتی در مورد حمایت های مالی و درآمد در رشته ای که درآمد کل آن به گرد ورزش های حرفه ای بزرگ نمی رسید، به یک حرفه برنده تبدیل کند. رویکرد او یک الگوی احتمالی (یا حداقل یک الهام) برای سایر ورزشکاران ورزش های کوچک ارائه می دهد که چگونه می توان در دنیای آماتوری المپیک قرن بیست و یکم، رسانه های اجتماعی و بازی های ویدئویی در عرض ۱۵ دقیقه ستاره شد. و او همه این کارها را با یک داستان شخصی قانع کننده در مورد اینکه چگونه شمشیربازی به او کمک کرده است تا **بدون دارو بر اختلال بیش فعالی (ADHD)** خود تسلط یابد، انجام داده است.

چاملی واتسون در لندن از مادری انگلیسی- آفریقایی و پدری انگلیسی- جامائیکایی متولد شده است. زمانی که ۹ ساله بود با مادر و ناپدری خود (پدر بیولوژیکی او هنوز در بریتانیا زندگی می کند) به نیویورک نقل مکان کرد. او می گوید: "در دوران کودکی من برای همه یک کابوس بودم - فوق العاده بیش فعال و دیوانه بطوری که نمی توانستم آرام بنشینم. کسی نمی توانست چیزی به من بگوید. من به معنای واقعی کلمه یک بچه کوچولوی شلوغ بودم. من اساساً خیلی شیطان، اما دوست داشتنی بودم."



مادر او الیزابت چاملی- اورتون می افزاید: "او حس شوخ طبعی بسیار متفاوتی داشت و دارد. اگر شما آن را درک نکنید، متوجه نمی شوید. خدا را شکر که خواهرش و خاله اش او را خوب درک کرده بودند. آنها از خنده روده بر می شدند. شما یا باید او را دوست می داشتید یا نمی نداشتید."

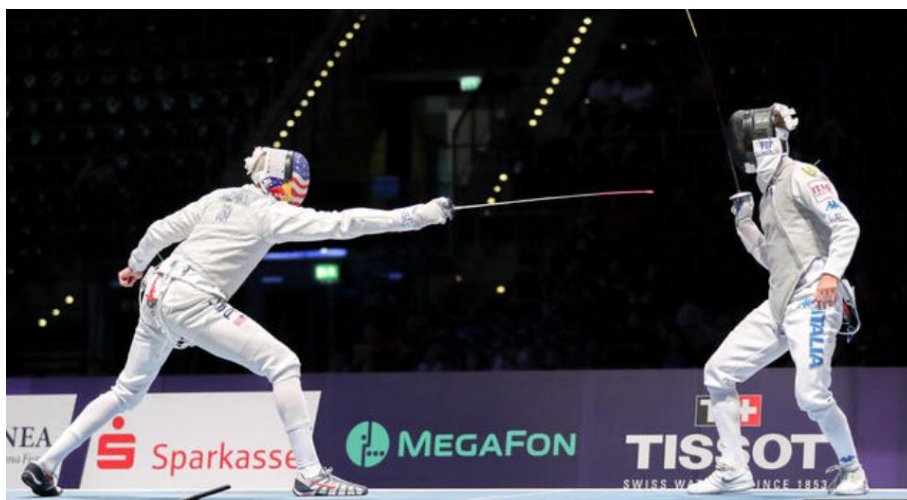
نقل مکان به آمریکا خیلی سخت بود. مدرسه دولتی برای او یک فاجعه بود. او این گونه به خاطر می آورد: "من یک بچه سیاهپوست لعنتی دورگه نیمه سفید و نیمه سیاه لندنی بودم. بچه های دیگر همیشه مرا اذیت می کردند." والدینش او را در مدرسه دوايت منهتن، که برای کودکان مبتلا به بیش فعالی و سایر اختلالات یادگیری است، ثبت نام کردند. در آنجا او ملزم به انجام یک ورزش خاص شد. یکی از معلمان او، **الن گریسون**، که بعدها مربی و دوست او شد، او را تشویق کرد تا برنامه شمشیربازی را که توسط شوهرش، **اریک**، هدایت می شد، امتحان کند. آنها فکر می کردند که شمشیربازی می تواند به تمرکز او کمک کند. مادرش هم به او گفت: "حداقل باید برای سه ماه امتحانش کنی!"

"من همیشه این انگیزه را داشتم که ثابت کنم مردم اشتباه می کنند، و از همه طلبکار بودم."

معلوم شد که نگرانی ها بی موردی است. مادرش به یاد می آورد: "او از روز اول عاشق شمشیربازی شد. او حتی یک بار هم به ما نگفت: «من نمی خواهم به تمرین بروم»." از همان ابتدا او می خواست جزو بهترین ها باشد به خصوص وقتی بچه ها او را دست می انداختند و مسخره می کردند: "چه زمانی شمشیرباز خواهی شد؟" او تعریف می کند: "تنها چیزی که به آنها می گفتم عبارت «شما خواهید دید» بود. من همیشه این انگیزه را داشتم که به مردم ثابت کنم اشتباه می کنند، و دنبال بهانه می گشتم تا آن را ثابت کنم." (چاملی اورتون، که در دوران کودکی عضو تیم ملی دو و میدانی مالاوی بوده است، دوست دارد بگوید که پسرش حس ورزشکاری خود را از خانواده او گرفته است.)

چاملی فلوره را انتخاب کرد، شمشیری که سلاح قدیمی آموزش بود و سبک تر و انعطاف پذیرتر از دو سلاح دیگر ساپر و اپه است. هدف این رشته سینه و پشت بازیکن است و امتیازدهی آن به صورت الکترونیکی انجام می شود. با فشار معادل ۵۰۰ گرم به یک فنر کوچک موجود در نوک شمشیر، چراغ دستگاه روشن می شود. البته برای این کار باید یک جلیقه رسانا به تن کرد که ضربه به آن یکی از چراغ های رنگی، و ضربه به خارج از آن چراغ سفید را روشن می کند.

چاملی واتسون شمشیربازی را به عنوان "صمیمی ترین، خالص ترین ورزش" توصیف می کند. او عاشق سرعت (حرکت نوک شمشیر فلوره که احتمالاً به ۱۰۰ مایل در ساعت می رسد، یکی از سریع ترین حرکات های ورزشی است) و خطر است (در سال ۱۹۸۲ تیغه شمشیر ماسک ولادیمیر اسمیرنوف، قهرمان المپیک را سوراخ کرد و پس از عبور از چشمش او را کشت). اما بیش از همه او طبیعت شاخ به شاخ شدن آن را دوست دارد. "شما در یک مبارزه با شمشیر قرار می گیرید که شما و حریف یک وسیله مشابه را در دست دارید - و باید ثابت کنید چه کسی بهتر است؟" مادرش فکر می کند که او توجه همگانی را دوست دارد. او می گوید: "این مشکل خود اوست. هیچ کس دیگری مقصر نیست."



وقتی چاملی واتسون می گوید "من ماسک شمشیربازی ام را بر سر می گذارم - یک سوپرمین می شوم"، می توان فهمید که این ورزشکار موفق به چه درجه ای از افتخار رسیده است. او اولین کسی نیست که قهرمان فیلم مرد فولادین را بُت می داند: و این از خالکوبی های او کاملاً مشخص است. اما چیزهای عمیق تری در بازی چاملی او وجود دارد. تبدیل شدن به یک ابرقهرمان شمشیرباز به او اجازه داده است تا بیش فعالی دوران کودکی خود را پشت سر بگذارد. وقتی خانواده گریسون پیشنهاد کردند که شمشیربازی می تواند به تمرکز مایلز کمک کند، واقعاً حق با آنها بود. برای مثال، مطالعه ای در سال ۲۰۱۲ به این نتیجه رسید که ورزش هایی مانند شمشیربازی که به حرکت و سازگاری دائمی نیازمند هستند، و "توجه بصری و انعطاف پذیری" زیادی دارند، با بهبود توجه، پردازش و سایر عملکردهای شناختی مرتبط هستند. در واقع، او در طول سال ها هر پیشنهاد استفاده از داروی های بیش فعالی را رد کرده است. او می گوید: "شمشیربازی ریتالین من است."

ظهور چاملی واتسون با ظهور شمشیربازی آمریکا که از آغاز هزاره جدید به یک قدرت جهانی تبدیل شده است، توأم بوده است. در سال ۲۰۰۸ او قهرمانی تیمی نوجوانان جهان را به دست آورد - اولین بار برای آمریکایی ها - و اولین قهرمانی در طول ۱۲ سال متوالی شرکت خود در مسابقات بزرگسالان جهان و المپیک را کسب کرد.

او همچنین حضور زیرکانه ای در شبکه های اجتماعی دارد. بسیاری از ویدیوهای یوتیوب به حرکات مبتکرانه و اشتیاق رقابتی او پرداخته است، ضمن اینکه در اینستاگرام ۱۴۶,۰۰۰ دنبال کننده اخبار او را تعقیب می کنند. ماینهاتر با تعجب عنوان می کند: "روشی که او این ورزش را از طریق رسانه های اجتماعی و دنیای مجازی معرفی کرد، باورنکردنی است و در شمشیربازی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این کاری است که من هرگز قادر به انجام آن نیستم. من آن شخصیت وحشی برون گرای او را ندارم، و روشی که او می تواند آن را به طور واقعی بروز دهد فقط مناسب خود اوست."

حلقهٔ دوستان چاملی واتسون از بازیگران گرفته تا ورزشکاران حرفه ای، دی جی ها و طراحان مُد را شامل می شود. او به طور منظم روی فرش قرمز حضور دارد و این کار برای او شهرت خاصی را به ارمغان آورده است. مت گالا ۲۰۱۷ را در نظر بگیرید، جایی که او بین مدونا و ریچانا نشسته بود، و سپس او را با قهرمان فرمول یک لوئیس همیلتون، که از آن زمان به یک دوست بسیار صمیمی برای او تبدیل شد، معرفی کرد. (آنها هر نوع کاری را برای او انجام داده اند، از سوار شدن بر ماشین برف پیما در کلرادو تا مسابقات اتومبیل رانی دبی تا جشن سال نو ۲۰۲۰ در هاوایی با خانواده و دوستان.) همهٔ اینها به او شهرتی بالاتر از هر شمشیرباز دیگری داده است.

از جلوه های پر زرق و برق ظاهری که بگذریم، او هنوز خود را به عنوان بچه می بیند، که با آن جور در نمی آید. بچه ای با لهجهٔ عجیبی که کارهای خنده دار انجام می دهد. او می گوید: "بچه ها می توانند با من ارتباط برقرار کنند، زیرا من نمایندهٔ بچه هایی هستم که مورد مسخره و آزار قرار می گیرند، برای آنها از قهرمان ها صحبت می کنم، و هر کسی که بچه ها دوست دارند او را الگوی خود قرار دهند. حتی کودکانی که در شمشیربازی نیستند، بلکه آنهایی که مشغول ورزش های کوچک هستند." همهٔ این مطالب در شعار ابداعی زیر خود که جهت ترویج تلاش هایش گره خورده است:

"یک میراث خلق کن، نه یک لحظه!"

او با نگاه به آینده، دیوید بکهام را به عنوان یک الگو می بیند. این دو شباهت های مشترک دارند - هر دو مردان شیک با ریشه های بریتانیایی که با بازی خود و با هنر بدن خود مرزهای ورزش خود را در میادین ورزشی جابجا کرده اند. اما او روشی را تحسین می کند که بکهام بی سروصدا به زندگی پس از بازی خود منتقل کرد و از وضعیت خود به عنوان یک نماد جهانی قابل مشاهده استفاده کرد. چاملی واتسون آرزو دارد پس از شمشیربازی مانند بکهام در دنیای مُد مشغول شود، شاید بطور مستقل یا به عنوان سرمایه گذار در پروژه های سایر طراحان.



او در آیندهٔ نزدیک خود بازنشستگی نمی بیند. دوستانش به او می گویند: "رفیق، تو می توانی همین الان شمشیربازی را کنار بگذاری و برای خودت یک برند بسازی." اما او اعتقاد ثابتی دارد که هنوز باید محبوب تر بشود. او می گوید: "جسارت نباشه، اگر بولینگ در تلویزیون نمایش داده می شود، شمشیربازی هم باید همین طور باشد. او ایده های ساده کردن ورزش شمشیربازی دارد تا عموم مردم بتوانند راحت تر آن را درک و دنبال کنند. او موفقیت خود را در خارج از پیست یک "سرگرمی سالم" می داند که امنیت مالی را در ورزشی که فرصت های پول سازی در آن دست نیافتنی است، فراهم کرده است - و آن را به عنوان وسیله ای برای ترویج و توسعهٔ ورزش اصیل شمشیربازی می داند.

قبل از بازی های توکیو او درگیر یک مبارزه برای کسب یکی از چهار جایگاه عضویت در تیم بود (نیک ایتکین تازه وارد، قهرمان نوجوانان جهان در سال ۲۰۱۸، جای خود را در ترکیب اصلی تیم تضمین کرده بود و با پایان سال ۲۰۱۹ در ردهٔ اول جدول رده بندی قرار داشت).

چاملی واتسون اخیراً نتایج چالش برانگیزی داشته است، اما گزینش تیم بر اساس مجموع امتیاز تعداد انگشت شماری از بهترین نتایج یک ورزشکار قرار داشت، بنابراین یک تورنمنت دیگر هم می توانست رده بندی را به هم بزند. انتظار می رفت که نتیجه به تورنمنت نهایی یعنی مسابقات قهرمانی کشور در آپریل ختم شود، درست همان طور که در سال ۲۰۱۲ انجام شد، زمانی که چاملی واتسون برای حضور در تیم المپیک به رتبه هفتم نیاز داشت. اما در آن زمان، او پنجم شد.

مادرش در مورد تمایل مادام العمر پسرش به مد می گوید: "او همیشه در کودکی دوست داشت لباس های خاصی را بپوشد. یاد می آید یک بار داشتم او را به مهد کودک می بردم. او ۳ سال و نیم سن داشت و لباس مرد عنکبوتی او که [به دلیل استفاده مداوم] بسیار کثیف شده بود پوشیده بود. به او گفتم: «من که امروز این را از تنت درآورده بودم. چرا دوباره آن را پوشیدی؟»"

در دانشگاه ایالت پنسیلوانیا، او به پوشیدن لباس هایی مانند یک هودی ارزان با شلوار جین، شهرت داشت که این روزها، طراحانی مانند گوچی و پرادا مشتاق هستند که او همین لباس های آنها را بپوشد. او می گوید: "من عاشق لباس پوشیدن هستم. وقتی تناسب اندام دارید شما می توانید هر کاری را انجام دهید."

مادرش می گوید: "او همیشه در مورد وسایلش خیلی وسواسی بوده است. اوه خدای من. همیشه. او به ویژه در مورد تجهیزات شمشیربازی خود هنوز خیلی وسواس دارد."

مایلی چاملی واتسون می افزاید: "اگر لباسم تمیز نباشد، بازی نمی کنم." آنها باید کاملاً جدید باشند. من هشت لباس فرم شمشیربازی دارم. من به معنای واقعی کلمه شبیه بتمن هستم! و اگر اوضاع بد پیش برود، همان طور که در توکیو انجام شد، کفش های کتانی جدید خود را هم کنار می گذارد.



حضور دائمی او در بین تماشاگران در هفته مد نیویورک منجر به یک عکسبرداری با سابقه در Vogue و دعوت به مت گالا شد. از آن زمان او باند تامی هیلفیگر و وی فایلز را همراهی کرد و برای رگ اند بون، تاد اسنایدر، کوچ و دیگران مدل شد. ترکیبی از حامیان مالی او - از جمله تیفانی، نایک، ساعت های بوچرر و شامپاین مام - جذابیت مدل بودن او را منعکس می کند. نماینده مدلینگ او، استیون برمودز در IMG، به «حالت، بینش و شخصیت» مایلز به علاوه سبک شخصی او اشاره می کند.

مادرش می گوید که شمشیربازی به او کمک کرده است که برجسته شود. "مردم برای دانستن اطلاعات بیشتر در مورد او هیجان زده هستند، زیرا او یک شمشیرباز است، و این کاملاً غیر معمول بوده است."

Andy Lewis